

## بررسی تطبیقی زمینه‌های ادبی شکل‌گیری پایدیا در یونان باستان و آموزه‌های حکمی و تربیتی در ایران باستان: با تأکید بر حماسه‌های ایلیاد و اودیسه و

### شاهنامه<sup>۱</sup>

دکتر محمدحسن میرزامحمدی<sup>۲</sup> و دکتر فریده داودی مقدم<sup>۳</sup>

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی و مقایسه زمینه‌های ادبی شکل‌گیری پایدیا در یونان باستان و آموزه‌های حکمی و تربیتی در ایران باستان، با تأکید بر حماسه‌های ایلیاد و اودیسه و شاهنامه و به‌روش تحلیل (مفهومی، اسنادی، و تطبیقی) به انجام رسیده است. بر این اساس، ابتدا مفاهیم، پیشینه، انواع و زمینه‌های شکل‌گیری پایدیا در یونان (ایلیاد و اودیسه) و آموزه‌های تربیتی در ایران (شاهنامه) در چهار بعد جسمانی، هنری، اخلاقی و عقلانی بررسی شد. سپس وجوه اشتراک و افتراق این زمینه‌ها و آموزه‌ها در این دو اثر حماسی استخراج و معرفی شدند. در وجوه اشتراک، در پایدیای یونانی و آموزه‌های حکمی و تربیتی ایران جنبه‌های حماسی بر دیگر ژانرهای ادبی غلبه دارد، هم‌چنین در هر دو فرهنگ، از بستر تمثیل برای آموزش بهره گرفته می‌شود. در بعد جسمانی، در ادبیات هر دو ملت، انسان متعالی در تن سالم و روح پاک جلوه‌گر است. در بعد اخلاقی، می‌توان از آموزه‌های انسانی و نمونه‌های جوانمردی و اخلاق والا در خلال داستان‌ها و اشعار حماسی هر دو ملت یاد کرد. در بعد عقلانی، متون ایران باستان به عقل و خرد اهمیت زیادی می‌دهند. در ادبیات یونان نیز به مقوله خردپروری و بیان عوارض آن پرداخته شده است. این خردورزی مناسب با بستر فرهنگی تربیتی دو ملت نمود می‌یابد، چنان‌که در شاهنامه بارزترین نشانه‌های خردمندی مختصر و پرمعنا گویی است. در پایدیای یونانی، جلوه‌های این خردورزی در مبانی حکمی آشکار می‌شود. همراهی عقل و صبر و مدارا کردن با مردم و کار ارزشمند و عدالت و تعادل در رفتار و زندگی به واسطه خردمندی از موارد مشترک در هر دو فرهنگ و مبانی تربیتی آن‌هاست. در وجوه افتراق، در ادبیات یونان مولفه‌ها جزئی‌تر و کارکردی‌تر، و اسطوره‌ها فردی‌تر هستند، در حالی که در ایران مباحث تعلیمی کلی‌ترند و اسطوره‌های جمعی نمود بیشتری دارند. در بعد هنری، شاهد مفاهیم گسترده‌تری در ادبیات ایران نسبت به فرهنگ یونانی هستیم.

**واژگان کلیدی:** پایدیا، تعلیم و تربیت، آموزه‌های حکمی، یونان باستان، ایران باستان، ایلیاد و اودیسه، شاهنامه، تطبیق

## مقدمه

بررسی تاریخ فرهنگ ایران آشکار می‌سازد که این کشور یکی از ارکان فرهنگ و تمدن دنیا است و این مملکت از زمانی که به وجود آمده است، خدمات ارزنده‌ای به عالم مدنیت ارائه کرده است (صدیق، ۱۳۵۲، ص: ۱۹۸). از سوی دیگر، یونان سرزمینی است که برای غربیان مهم‌ترین مهد دانش است و (غربیان) آن‌جا را سرچشمه علوم و فنون، تفکرات و تعلیمات خود می‌دانند. مردم یونان باستان نخستین کسانی بودند که به‌طور منظم و منطقی به مطالعه و بررسی موضوع‌هایی از قبیل اخلاق، سیاست و تعلیم و تربیت پرداختند (الماسی، ۱۳۸۱، ص: ۱۵۷). مطالعات نشان می‌دهد که این دو تمدن بزرگ، با یکدیگر ارتباطاتی دارند و از هم تاثیراتی نیز پذیرفته‌اند: «این ارتباطات، قبل از حمله اسکندر در سطحی بالا و حتی در قالب مبادله استاد صورت می‌گرفت» (نخستین، ۱۳۷۹، ص: ۸۲). پس از آن، دو فرهنگ متفاوت به نام فرهنگ ایرانی و فرهنگ هلنی (یونانی) با هم تلفیق شدند.

با توجه به مراتب فوق، در تحقیق حاضر زمینه‌های ادبی شکل‌گیری پایدیای یونانی و آموزه‌های حکمی و تربیتی ایرانی در آثار حماسی «ایلیاد»<sup>۱</sup> و «اودیسه»<sup>۲</sup>، و شاهنامه احصا و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها بررسی و معرفی شده است. دلیل انتخاب این دو اثر حماسی آن است که شاهنامه از منابع مهم و جامع در شناخت زبان، فرهنگ، هنر و تمدن ایران و ایلیاد و اودیسه مشهورترین آثار حماسی یونان باستان و آینه تحولات بعدی این تمدن هستند.

در خصوص این که چرا در خصوص این دسته از موضوعات پژوهش می‌شود و آیا در شرایطی که ما در عصر جهانی شدن آموزش و پرورش قرار داریم، این‌گونه موضوعات الان مسئله ما هستند یا نه، باید گفت شرایط کنونی نظام آموزش و پرورش در سطح جهان با وجود فرصت‌هایی که جهانی شدن برای آن‌ها فراهم کرده و در اینجا مجال پرداختن به آن‌ها نیست، لکن چالش‌های جدی نیز برای این نظام‌ها ایجاد شده است (میرزاحمدی، ۱۳۹۵). با توجه به این مراتب، به‌نظر می‌رسد بازگشت به بن‌مایه‌های فرهنگی و تمدنی به‌خصوص برای کشورهای که صاحب پیشینه بزرگی در این زمینه هستند، به‌روز کردن آن بن‌مایه‌ها و استفاده صحیح از آن‌ها، می‌تواند نظام‌های آموزش و پرورش امروزی را در مقابل آن چالش‌ها

1. Iliad

2. Odisse

کمک کند. با توجه به مراتب فوق، در تحقیق حاضر، سه سؤال به شرح زیر صورت‌بندی شده است: الف) زمینه‌های ادبی شکل‌گیری پایدیا در یونان باستان، با تاکید بر حماسه ایلید و اودیسه کدامند؟ ب) زمینه‌های ادبی شکل‌گیری آموزه‌های حکمی و تربیتی در ایران باستان، با تاکید بر شاهنامه کدامند؟ ج) وجوه اشتراک و افتراق زمینه‌های شکل‌گیری پایدیا در یونان باستان، با تاکید بر حماسه ایلید و اودیسه با آموزه‌های حکمی و تربیتی در ایران باستان، با تاکید بر شاهنامه کدامند؟

### روش تحقیق

روش‌های استفاده شده در تحقیق حاضر، شامل تحلیل مفهومی، اسنادی، و تطبیقی، به شرح زیر به‌کار رفته‌اند. هدف روش تحقیق «تحلیل مفهومی»<sup>۱</sup> یا تحلیل فلسفی، فهم و بهبود بخشیدن به مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی است که ما برحسب آن‌ها تجربه را تفسیر می‌کنیم، مقاصد را بیان می‌کنیم، مسائل را ساخت‌بندی می‌کنیم، و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آوریم (کومبز<sup>۲</sup> و دانیل<sup>۳</sup>، ۱۳۸۷، ص: ۴۳).

تحقیق حاضر، مفاهیم مرتبط با «پایدیا» در حماسه ایلید و اودیسه، و «آموزه‌های حکمی و تربیتی» را در شاهنامه تحلیل کرده است، موارد استفاده و شرایط و ابعاد گسترده‌تر و از نظر معنا عمیق‌تر آن تحلیل مفهومی شده است. شکل دیگر تحلیل به‌کار رفته در تحقیق حاضر، تحلیل اسناد است. اسناد استفاده شده در بخش یونان باستان، به‌طور عمده دو اثر حماسی ایلید و اودیسه و در بخش ایران باستان، شاهنامه فردوسی بوده است. در نهایت، در این تحقیق برای مقایسه تحلیلی بنیادهای ادعاها، از روش «تحلیل تطبیقی»<sup>۴</sup> استفاده شده است (گیون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). به باور «گیون»، بخش اصلی تحلیل تطبیقی، «تحلیل تطبیقی پیوسته» است که در آن «بخشی از داده‌ها هم چون یک مفهوم، یا یک گزاره با دیگر مفاهیم و گزاره‌ها، مقایسه می‌شود تا شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها آشکار شود. با جداسازی و مقایسه پیوسته مفاهیم و گزاره‌ها، امکان گسترش الگوی مفهومی مهیا می‌شود که نشان دهنده روابط گوناگون میان مفاهیم و گزاره‌هاست.» (گیون، ۲۰۰۸، ص: ۱۰۰)

1. Conceptual analysis
2. Coombs
3. Daniels
4. Comparative Analysis
5. Given. L

بر اساس این مراتب، مفروضات مطرح در هریک از دو دیدگاه، تحلیل تطبیقی و تفسیر شده است.

## یافته‌ها

**پاسخ سؤال اول تحقیق: زمینه‌های ادبی شکل‌گیری پایدیا در یونان باستان، با تاکید بر حماسه ایلید و اودیسه کدامند؟**

«پایدیا»<sup>۱</sup> واژه‌ای یونانی است که از «paidos» گرفته شده است. این واژه، نخستین بار در قرن پنجم قبل از میلاد در یونان ظاهر شد. پایدیا در ابتدا در معنای محدود «پرورش کودکان» به کار رفت و بعدها معنای والاتری پیدا کرد. قبل از پایدیا مفهوم آرته<sup>۲</sup> در تعلیم و تربیت به کار می‌رفت (یگر، ۱۳۷۶، ص: ۴۱). آرته در فارسی «فضیلت» ترجمه شده است. پایدیا دربرگیرنده آرمان‌های فرهنگی یونان است که شخصیت انسان یونانی را شکل می‌بخشد (ضیمران، ۱۳۹۰، صص: ۱۹-۲۰).

تاریخ تربیت یونانی با تاریخ ادبیات آن یکی است. شاعران، موسیقی دانان، فیلسوفان و سخن‌وران حاملان پایدیا هستند. شعر، نماینده بزرگ فرهنگ یونان در سراسر تاریخ این قوم از قرن هشتم تا قرن چهارم قبل از میلاد می‌باشد. این زمینه با «هومر» در قرن هفتم شروع می‌شود. هومر قدیمی‌ترین شاهد ادب و فرهنگ یونان باستان است (یگر، ۱۳۷۶، ص: ۴۲) به گونه‌ای که می‌توان وی را دروازه تاریخ یونان دانست. هومر مربی همه یونانیان بوده است. وی مانند همه شاعران بزرگ یونان نخستین و بزرگ‌ترین خلاق و شکل‌بخش زندگی و سیرت یونانی است (یگر، ۱۳۷۶، صص: ۸۰-۸۱). اشعار هومر را درحقیقت می‌توان ریشه همه انواع تربیت یونان در عصر خود دانست. اسطوره‌ها و اشعار حماسی هومر (و دیگر شاعران یونان) ریشه همه انواع تربیت والای یونانی‌اند. آنان تلاش می‌کنند به همه چیز از جمله تربیت، گرایش حماسی بدهند (یگر، ۱۳۷۶، ص: ۹۰).

ایلید و اودیسه مشهورترین آثار حماسی یونان باستان هستند که توسط «هومر»<sup>۳</sup> شاعر نابینای آن دیار در قرن هفتم قبل از میلاد سروده شده است. ایلید شامل بیست و چهار سرود

1. Paideia  
2. Arete  
3. Homer

و موضوع آن، داستان جنگی است که میان مردم یونان و شهر «تروا» (در آسیای صغیر) روی داده است. اودیسه نیز مشتمل بر بیست و چهارسرود و موضوع آن، داستان بازگشت پهلوانان از تروا و شرح دلاوری‌های آنان است. ایلید کهن‌تر از اودیسه، و اودیسه آینه مرحله تحول بعدی تمدن یونان است. با توجه به مراتب فوق، آموزه‌های برگرفته از این دو حماسه که زمینه‌ساز پایداری یونان باستان شده‌اند، در چهار بخش جسمانی، هنری، اخلاقی و عقلانی بررسی می‌شوند:

### جنبه جسمانی

یکی از بخش‌های تشکیل دهنده فضیلت در ایلید و اودیسه، نیرومندی است که با عناوین دیگری مانند شجاعت پهلوانی و دلیری نیز در این آثار حماسی آمده است. والاترین معیار شخصیتی مرد در ایلید و اودیسه، آرمان سنتی توانایی در جنگ‌آوری است. هومر در ایلید (هومر، ۱۳۷۸ب، ص: ۳۹۰) در این زمینه می‌گوید: «بهترین فال این است که برای زادگاه خود نبرد کنیم.»

### جنبه هنری

از جنبه هنری اگر بخواهیم به ایلید و اودیسه نگاه کنیم، خواهیم دید که هردو اثر، حماسی اند. به گونه‌ای که شرح دلاوری‌های قهرمانانی هستند که برای تحقق اهداف ملی و حمایت از مردم با دشمن می‌جنگند. همچنین هردو حماسه ایلید و اودیسه در اوج بلاغت هستند و به توصیف هنرمندانه صحنه‌های جنگ، مناظر طبیعت و معرفی روحیات پهلوانان پرداخته‌اند.

### جنبه اخلاقی

به‌طورکلی حماسه ایلید هومر دارای طرحی اخلاقی است. در سرود اول (هومر، ۱۳۷۸ب، ص: ۴۳-۷۳) که در جریان آن رفتار غیراخلاقی از پهلوانان (آشیل و آگامنون) سرمی‌زند، شاگرد به میانجی‌گری برمی‌خیزد و آنان را به اخلاق فرامی‌خواند. در سرود نهم (هومر، ۱۳۷۸ب، ص: ۲۸۷-۳۱۷)، آشیل که در اثر خشم از حالت انسانی خود خارج شده، دوباره به انسانیت فراخوانده می‌شود.

«انسان بزرگ» (اشرافی)<sup>۱</sup> برای هومر کسی است که برای کسب فضیلت، تلاش فراوانی می‌کند. او در ایلیاد (هومر، ۱۳۷۸ب، ص: ۲۲) در این خصوص می‌گوید: «همیشه نخستین باش و از همه سبقت بگیر.» هومر انسان با فضیلت را فردی می‌داند که به «معیارهای اخلاقی»<sup>۲</sup> متصف شده و در خصوص آن‌ها «احساس وظیفه»<sup>۳</sup> می‌کند. اشرافیت برای هومر دارای دو بعد عملی و روحی است. وی در این خصوص در ایلیاد (هومر، ۱۳۷۸ب، ص: ۳۵۸) می‌گوید: «به‌هنگام رای زدن زبان‌آور باش و به‌هنگام عمل توانا». این مصرع، آرمان پایدیای یونان و ناظر بر تمام وجود انسان است. در ایلیاد (هومر، ۱۳۷۸ب، صص: ۲۹۸ و ۳۷۷) «ایاس» تجسم عمل، «اودیسه‌ئوس» تجسم سخن، و آشیل (قهرمان حماسه) تجسم هر دو فضیلت است. در ادامه، برخی دیگر از فضایل اخلاقی که در ایلیاد و اودیسه هومر بر آن تاکید شده است، معرفی می‌شوند:

گرامی‌داشت مردم: هومر در اودیسه (هومر، ۱۳۷۸الف، ص: ۲۴) گفته تلماک به مادرش را مثال می‌آورد. آن‌جایی که می‌گوید: «سرودی که مردم بیش از همه آن را بپسندند، همیشه تازه‌ترین سرود است.»

یاری‌خواستن از خدایان و نیروهای خیر برای مبارزه با نیروهای اهریمنی و شر: در اودیسه (هومر، ۱۳۷۸الف، ص: ۲۸) تلماک مکررا از آتنه برای پیروزی بر مردم اهریمن‌صفت مدد می‌خواهد. تلماک به کرانه دریا رفت و از آتنه مدد خواست.

ستایش امانت‌داری و وفاداری: در اودیسه، مانتور، نماینده صفت وفاداری و امانت‌داری، ستایش می‌شود. مانتور کسی است که اولیس، هنگام رفتن به جنگ، خانمان خویش را به وی سپرده بود.

نکوهش صفات ناپسند: در اودیسه (هومر، ۱۳۷۸الف، ص: ۳۸) خودپرستی، زشت‌خویی، تباهاکاری و افزون‌طلبی خواستگاران پنلوب (همسر اولیس) مرتبا نکوهش می‌شوند. همراهی خدایان با قهرمان: در اودیسه (هومر، ۱۳۷۸الف، ص: ۱۲۴) همراهی خدایان در سفر پرمخاطره اولیس جالب توجه است.

1. Aristoi  
2. Agathos  
3. Aidos

نکوهش گستاخی و بیدادگری و بیان نشانه‌های جوانمردی: در اودیسه (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۵۰۹) وقتی اولیس، خواستگاران فرصت‌طلب و بیدادگر را از پای درمی‌آورد، می‌گوید: «سرافرازی کردن در برابر مردانی که از پا درآمده‌اند، کار بی‌دینان است. خواست خدایان و بیدادگر خودشان ایشان را از پای درآورد. زیرا که آن‌ها، هیچ کس را بزرگ نمی‌داشتند. گستاخی‌شان، ایشان را نابود کرد.»

در اودیسه (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۱۶) تلماک به آتنه از بی‌شرمی خواستگاران شکایت می‌کند. مجازات بی‌شرمی و پاسداشت فضیلت پاکدامنی برای زنان: کشتن زانی که در خانه اولیس کارهای ناروا و زشت کردند و بی‌شرمی‌هایی که با خواستگاران و پیوندهای ناروایی که با ایشان داشتند (هومر، ۱۳۷۸ الف، صص: ۵۱۰-۵۱۱).

در اودیسه (هومر، ۱۳۷۸ الف، صص: ۲۴ و ۵۰) اولیس و تلماک با صفاتی چون دوراندیشی، فرزاندگی، دادپروری (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۴۹)، زیبایی‌یزدانی و نژادآسمانی (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۱۷) و فضیلت‌های انسانی یاد می‌شوند که نشان‌گر نوع نگاه هومر به فضایل انسانی است.

در ایلیاد نیز، اولیس با صفاتی چون نیک (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۱۲۰)، دلاور و تیزهوش (هومر، ۱۳۷۸ اب، صص: ۱۲۰ و ۱۶۹) و بردبار در سختی‌ها و دشواری‌ها (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۲۲۰) توصیف شده است. هم چنین فضیلت‌های زیر در این اثر مطرح شده است:

خود را به اراده خدایان سپردن: «از اراده زئوس، خدای خدایان ناگزیر است.» (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۴۳) «در کاری که آسمان به دست ما سپرده است، بیش از این درنگ نکنیم.» (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۹۸)

بازداشتن از تباهکاری: پهلوانان یکدیگر را از تباهکاری باز می‌دارند (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۱۶۹).

اهمیت نژاد پاک: آتنه به تلماک می‌گوید: اگر شور مردانه پدر پاک زادت در تو باشد، در آینده از دلاوری و فرزاندگی چیزی کم نخواهی داشت (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۴۰).

### جنبه عقلانی

یکی دیگر از ابعاد اشرافیت در حماسه‌های هومر (در کنار بعد اخلاقی)، خرد و خردورزی است. فرزاندگی و خردمندی صفتی است که با بسامد فراوان به‌عنوان فضیلتی بزرگ در اودیسه مطرح می‌شود. در ادامه نمونه‌هایی از آن‌ها ارائه شده‌اند:

هومر به لزوم بهره‌گرفتن از اندرزهای فرزندان در این اثر تاکید می‌کند (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۳۰). هم‌چنین وی بارها از «پنلوب» با صفت فرزانه (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۱۱۵) و خردمندترین زنان (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۱۰۳ و ۴۱۰) یاد کرده و حتی از «آتنه» به‌عنوان خداوند خرد و تدبیر (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۵) سخن گفته‌است.

هومر در اودیسه (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۸۹) در ستایش خردمندی و صلاح‌اندیشی آگاممنون، وی را با صفات «زاده‌ آتره، رام‌کننده دلاور اسبان سرکش، سالاری که به رای و صلاح‌اندیشی او نیاز است»، توصیف می‌کند. هومر هم‌چنین قهرمانان خود را با صفاتی مانند «هوشمند» (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۶۹)، «دوراندیش» (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۱۰) و «بیدار دل» (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۳۲۸) توصیف می‌کند. وی در این خصوص می‌گوید: «هنگامی که در شهر رهسپار بود او را بزرگ می‌داشتند، زیرا که خرد بسیار دارد و از راه مهربانی کشمکش‌های مردم را فرو می‌نشاند» (هومر، ۱۳۷۸ الف، ص: ۹۸).

در ایلید نیز، «اولیس» با صفاتی چون خردمند (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۶۹)، سخن‌ور توانا و نیک (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۱۲۰) «مینوی» (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۱۰) و «برآمده از زئوس» (هومر، ۱۳۷۸ اب، ص: ۲۷۰)، توصیف شده است.

### پاسخ به سؤال دوم تحقیق: زمینه‌های ادبی شکل‌گیری آموزه‌های حکمی و تربیتی در ایران باستان، با تاکید بر شاهنامه کدامند؟

شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی از منابع مهم در شناخت زبان، فرهنگ، هنر و تمدن ایرانی است؛ از این رو جلوه‌هایی از حکمت و اخلاق و بنیان‌های تعلیم و تربیت از شاهنامه معرفی می‌شود. هدف از تعلیم و تربیت در شاهنامه، پرورش انسان در ابعاد گوناگون جسمانی، عقلانی، اخلاقی و هنری است. انسان کامل باید در تمام این ابعاد رشد کند. بسیاری از محورهای این دیدگاه در بیت زیر خلاصه شده است:

هنر باید و گوهر نامدار خرد یار و فرهنگش آموزگار (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۵۰۳)

در بیت فوق، به چهار مقوله هنر، نژاد پاک و برتر، اندیشه و خرد و فرهنگ و هنجارهای اجتماعی اشاره می‌شود. باید توجه داشت که در آموزه‌های ایران باستان، هنر گستره معنایی وسیع‌تری در مقایسه با امروز دارد که در بخش هنری به آن اشاره خواهد شد.

برای تبیین هریک از محورهای یاد شده، هرکدام از آن‌ها را با ذکر شواهدی بررسی

## جسمانی

در اندیشهٔ ایرانیان، تن نیرومند و جسم قوی و پاک از بارزترین ارزش‌های انسان است. راستی، جوانمردی و برخی از صفات نیک، حاصل نیرومندی و تن سالم است و برعکس، دروغ و نقصان در کارها، ارتباط مستقیم با ضعف و سستی تن دارد:

ز نیرو بود مرد را راستی      ز سستی دروغ آید و کاستی (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۱۷۹۸)

عواملی که موجب کاستن رنج تن می‌شود:

بپرسید دیگر که در زیستن      چه سازی که کمتر بود رنج تن (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۱۷۹۸)

- خردمندی و شکیبایی

چنین داد پاسخ که گر با خرد      دلش بردبارست رامش برد (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۱۷۹۸)

- راستی در دادوستد و دوری از کج‌روی

به داد وستد درکند راستی      ببندد در کژی و کاستی (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۱۸۰۲)

- بخشش در حال غلبه و پیروزی

ببخشد گنه چون شود کامکار      نباشد سرش تیز و نابردبار (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۱۸۰۳)

- دوری از خشم و چشم‌پوشی از گناه دیگران

بگفت آنک مغزش نجوشد زخشم      بخواهد بخشم از گنه‌کار چشم (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، صص: ۱۸۰۴-۱۸۰۵)

- قناعت و نداشتن حرص و آز

چو خرسند باشی تن‌آسان شوی      چو آز آوری زو هراسان شوی (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۱۸۰۶)

از دیگر آموزه‌های مکرر در شاهنامه، پرهیز از تنبلی و بی‌کارگی است. باید با کوشش و تلاش، رنج‌های تن را به شادی مبدل ساخت:

تن‌آسانی و کاهلی دور کن      بکوش وز رنج تنت سور کن

که ایدر تو را سود بی‌رنج نیست  
چنان هم که بی‌پاسبان گنج نیست (فردوسی،  
۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۱۸۰۶)

قدرت و نیرومندی و تنومندی همواره باید قرین و همراه خردمندی و رفتار سنجیده باشند،  
درغیراین‌صورت جایگاه و مقام والایی نخواهند داشت:

تنومند را کو خرد یار نیست  
به گیتی کس او را خریدار نیست (فردوسی،  
۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۱۸۰۶)

باید توجه داشت که در اندیشه ایرانی تن مردمان نیز هم چون جهان و زمین پاک و سپند و گرمی به شمار رفته است. چنان که در فرگرد ۸۹ ارداویراف‌نامه برمی‌خوریم به کسانی که تن گرمی را خوار داشتند و روانشان در دوزخ پادافره می‌برند: این روان آن دروندان است که در گیتی خوراک و جامه از خود دریغ داشتند و به نیکان و ارزانیان ندادند (ژینیو، ۱۳۷۲، ص: ۲۷).

#### هنری:

در شاهنامه فردوسی «هنر» عبارت‌است از شایستگی‌ها و مهارت‌ها و منظور از «گوهر»، سرشت، طبیعت و صفات و استعدادهای موروثی است. در مورد مقایسه فرهنگ و هنر با گوهر، فردوسی مقام فرهنگ را از گوهر افزون‌تر می‌شمارد. هنر را به‌منزله بوی گل و گوهر را به‌مثابه رنگ آن تمثیل می‌کند و افتخار به فرهنگ و هنر را والاتر از افتخار به گوهر می‌شمارد (نیساری، ۱۳۵۰، ص: ۳).

چنین داد پاسخ بدو رهنمون  
که فرهنگ باشد ز گوهر فزون (فردوسی،  
۱۳۸۶، دفترششم، ص: ۱۸۱۶)

هنر و فرهنگ آراستگی و ارزش روح و روان آدمی‌ست:

که فرهنگ آرایش جان بود  
زگوهر سخن گفتن آسان بود (فردوسی، ۱۳۸۶،  
دفترششم، ص: ۱۸۱۶)

ارزش‌ها و صفات موروثی، بدون هنر کوچک و بی‌ارزش‌اند:

گهر بی‌هنر زار و خوارست و سست  
به فرهنگ باشد روان تندرست  
گهر بی‌هنر ناپسند است و خوار  
بدین داستان زد یکی هوشیار (فردوسی،  
۱۳۸۶، دفترششم، ص: ۱۸۱۶)

در یاد گرفتن هنر و دانش، فردوسی به کار و کوشش و تجربه و آزمایش اهمیت اساسی می‌دهد. پذیرش رنج و زحمت را در برابر سود و نتیجه دانش با ارزش و سزاوار می‌داند (نیساری، ۱۳۵۰، ص: ۶).

به گفتار خوب از هنر خواستی  
به کردار پیدا کن آن راستی (فردوسی، ۱۳۸۶،  
دفترششم، ص: ۱۸۱۶)

از نکات بسیار ارزشمند و قابل توجه در باب هنر در شاهنامه این است که ملاک هنرمند بودن در نزد خردمندان این است که عیب و لغزش‌های خویش را ببیند و درصدد اصلاح آن‌ها برآید:

چنین گفت کان کس که آهوی خویش  
ببیند بگرداند آیین و کیش  
(فردوسی، ۱۳۸۶، دفترششم، ص: ۱۸۱۶)

#### اخلاقی

شاهنامه فردوسی، به‌عنوان منبع و عصاره‌ای از تفکر و آموزه‌های حکمی و تربیتی ایران، بخش زیادی را به موضوعات، پندها، توصیه‌ها و تجویزهای اخلاقی اختصاص می‌دهد: -توصیه به جوانمردی و راستی: باید متذکر شد، از مضامین اساسی اخلاقی در شاهنامه جوانمردی است که پیشینه آن به حکمت‌های خسروانی ایران باستان باز می‌گردد و در سه قرن اولیه اسلامی و پس از آن به شکل آیین عیاران و فتیان در اشکال مختلف جلوه‌گر است (زرین کوب، ۱۳۶۹، ص: ۴۱).

جوانمردی و راستی پیشه‌کن  
همه نیکویی اندر اندیشه‌کن (فردوسی، ۱۳۸۶،  
دفتر ششم، ص: ۱۷۹۲)

- نیکویی‌های اخلاقی همیشه همراه دانایی است و افکار و رفتار غیراخلاقی به خود انسان آسیب می‌رساند:

هرآن کس که اندیشه بد کند  
به فرجام بد با تن خود کند (فردوسی، ۱۳۸۶،  
دفتر ششم، ص: ۱۷۹۴)

- نشانه پرستش یزدان و خدانشناسی کردار نیک است:

کسی کو بود پاک و یزدان‌پرست  
نیازد به کردار بد هیچ دست (فردوسی، ۱۳۸۶،  
دفتر ششم، ص: ۱۷۹۳)

- ستایش عدالت و احسان: از دیگر موضوعات محوری شاهنامه در حوزه اخلاق، پرداختن و توصیه به عدالت و احسان و بخشش و مدارا کردن با مردم است. چنان‌که در داستان

فریدون که از شاهان عادل و نیک شاهنامه است و پایان‌بخش دوره هزارساله ظلمت در ایران است، می‌آورد که نیکویی و خجستگی فریدون به سبب عدالت و بخشش بوده است:

فریدون فرخ فرشته نبود ز مشک و زعنبر سرشته نبود

به دادوددهش یافت آن نیکویی تو دادوددهش کن، فریدن تویی (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر

اول، ص: ۱۰۵)

- پرهیز از غرور و خودخواهی و خودنگری: از صفات مهم نکوهیده در شاهنامه خودخواهی است که در کنش‌های داستان‌های تراژیک شاهنامه و فرجام غم‌انگیز پهلوانان نمود می‌یابد. از معروف‌ترین آن‌ها، داستان جمشید است که به‌خاطر گرفتار شدن در ورطه غرور و خودنگری فرّه ایزدی از وی جدا می‌شود:

منی کرد آن شاه یزدان‌شناس ز یزدان بیچید و شد ناسپاس (فردوسی،

۱۳۸۶، دفتر اول، ص: ۲۷)

- تأکید بر موضوعات اخلاقی با بیان ناپایداری جهان گذران و تذکر مرگ در قالب حماسه:

- پرهیز از حرص و طمع در جهان

توان‌گر بود هر که را آرز نیست خنک بنده کش از انباز نیست (فردوسی،

۱۳۸۶، دفترششم، ص: ۱۸۰۱)

آسودگی در قناعت و اضطراب و تشویش و ناآرامی در زندگانی، ناشی از طمع زیاد برای به‌دست‌آوردن مال است:

چو خرسند باشی تن‌آسان شوی چو آزآوری زو هراسان شوی (فردوسی، ۱۳۸۶،

دفترششم، ص: ۱۷۸۹)

فردوسی در شاهنامه بسیاری از آموزه‌های اخلاقی را در قالب حماسه متذکر می‌شود. یکی

از این آموزه‌ها، تأکید بر ناپایداری جهان گذران و تذکر مرگ است:

جهان چون بر و بر نماند ای پسر تو نیز آز مپرست و انده مخور (فردوسی،

۱۳۸۶، دفتر اول، ص: ۱۰۶)

فردوسی با یادآوری مکرر مرگ و سرای آخرت، او را به قطع تعلق از دنیا و رعایت اصول اخلاقی و انسانی فرا می‌خواند.

- پرهیز از اندوه و رنج، به‌سبب تعلق و پرداختن بیش از حد به دنیا:

از منظر شاهنامه، در کنار برخورداری از زیبایی‌های جهان و آسایش تن و روان، باید توجه داشت که پرداختن بیش از حد به دنیایی که سرایی زودگذر است، سبب اندوه و رنج می‌شود:

همه رفتنی و گیتی سپنج چرا باید این درد و اندوه و رنج (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر دوم، ص: ۶۱۹)

- توصیه‌های اخلاقی و حکمی:

- انجام کار در زمان مناسب خود و مشورت کردن در کارها:

به هر کار هنگام جستن نکوست زدن رای با مرد هشیار و دوست

- پرهیز از سستی و تنبلی که موجب ازدست‌رفتن فرصت‌ها می‌شود:

چو کاهل شود مرد هنگام کار از آن پس نیاید چنان روزگار

از امروز کاری به فردا ممان که داند که فردا چه گردد جهان (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر اول،

ص: ۱۹۸)

- مداومت داشتن در انجام کار و ناتمام رها نکردن کار:

یقین دان که کاری که دارد دوام بلندی پذیرد از آن کار نام

تو کاری که داری نبرده به سر چرا دست یازی به کاری دگر (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر اول،

ص: ۲۰۸)

و از کارها، کاری را انتخاب کن که موجب سرافرازی و حفظ آبرویت شود:

هم از پیشه‌ها آن گزین کاندروی ز نامش نگردد نهان آبروی (فردوسی، ۱۳۸۶،

دفترششم، ص: ۱۸۱۰)

- پرهیز از اسراف و بخل، و رعایت میانه‌روی در خرج کردن:

هزینه چنان کن که بایدت کرد نشاید گشاد و نباید فشرده (فردوسی، ۱۳۸۶،

دفترششم، ص: ۱۸۰۸)

- آنچه برای خود می‌پسندی، برای جهانیان نیز همان را بخواه:

در اندیشهٔ ایرانی، به دست آوردن نام و عاقبت شایسته در پرتو گفتار و کردار نیک

اهمیت بسیاری دارد:

چه سازیم تا نام نیک آوریم درآغاز فرجام نیک آوریم

بدو گفت شو دور باش از گناه جهان را همه چون تن خویش خواه (فردوسی،

۱۳۸۶، دفترششم، ص: ۱۸۱۳)

- آن چه برای خود نمی‌پسندی، برای دوست و دشمن آن را می‌پسند:

هر آن چیزکانت نیاید پسند      تن دوست و دشمن در آن برمبند (فردوسی، ۱۳۸۶،

دفتر ششم، ص: ۱۸۰۹)

- آداب گزیدن دوست: دربارهٔ دوست و آیین رفتار با دوست، از ملاک‌های مهم شاهنامه

همراهی و همدلی در رنج‌های زندگی و سختی‌هاست:

همان دوستی با کسی کن بلند      که باشد به سختی تو را سودمند (فردوسی، ۱۳۸۶،

دفتر ششم، ص: ۱۸۰۹)

- وصول به کامیابی در پرتو آموختن پیوسته از استاد:

چوخواهی که رنج تو آید به بر      ز آموزگاران مبر تاب سر (فردوسی، ۱۳۸۶،

دفترششم، ص: ۱۸۱۱)

### جنبه عقلانی

از منظر شاهنامه، خرد از دیگر موهبت‌های الهی ارزشمندتر است، فردوسی حماسهٔ ملی

ایرانیان را که آیینۀ فرهنگ و اندیشهٔ ایرانی است با نام خداوند جان و خرد آغاز می‌کند و

ابیات فراوانی را در وصف خرد می‌آورد.

- نخستین آفریدهٔ خداوند خرد است که نگاهبان جان آدمی است و سه پاسبان وجود

انسان یعنی چشم و گوش و زبان، همواره باید قرین عقل و خرد باشند:

نخست آفرینش خرد را شناس      نگهبان جانست و آن را سه پاس

سه پاس تو چشم است و گوش و زبان      کزینت رسد نیک و بد بی‌گمان (فردوسی،

۱۳۸۶، دفتر اول، ص: ۴)

- خرد، رهنمای هستی و شادی آفرین است، سبب آزادگی پندار و کردار و موجب

رستگاری در هر دو جهان می‌شود:

خرد رهنمای و خرد دلگشای      خرد دست گیرد به هر دو سرای

ازویی به هر دو سرای ارجمند      گسسته خرد پای دارد به بند (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر

اول، ص: ۴)

- شادی و غم، افزونی و کمی در زندگی بر اساس رفتار خردمندانۀ رقم زده می‌شود:

ازو شادمانی وزویت غم است      وزویت فزونی وزویت کم است (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر

اول، ص: ۴)

- خرد، چشم جان آدمی و مایه تمام بصیرت‌هاست و بدون آن نمی‌توان شادمان و سلامت زیست:

خرد چشم جانست چون بنگری تو بی چشم شادان جهان نسپری (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر اول، ص: ۴)

به دنبال این بیت، یکی از نشانه‌های خردمندی که دانش است، در بستری دوسویه میان خرد و دانندگی، به مخاطبان توصیه می‌شود:

به گفتار دانندگان راه جوی به گیتی بیوی و به هر کس بگوی  
ز هر دانشی چون سخن بشنوی از آموختن یک زمان نغوی (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر اول، ص: ۴)

- نشانه‌های خردمندی و عوارض ناشی از آن:

فردوسی در شاهنامه، نه تنها به وصف فاخرانه و تجلیل از خرد برای القای متصف بودن به آن می‌پردازد، بلکه برای ترغیب بیشتر برای به‌کار بستن آن، از عوارض کارکردی آن در بافتی تجویزی سخن می‌گوید.

- در شاهنامه، بزرگمهر بارزترین نشانه‌های خردمندی را مختصر و پرمعناگویی می‌داند.

بدو گفت روشن روان آن کسی که کوتاه گوید به معنی بسی  
کسی را که مغزش بود پرشتاب فراوان سخن باشد و دیرباب  
چو گفتار بیهوده بسیار گشت سخن‌گوی در مردمی‌خوارگشت (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر ششم، ص: ۱۸۰۵)

- همراهی عقل و صبر و مدارا کردن با مردم

مدارا خرد را برادر بود خرد بر سر جان چو افسر بود (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر ششم، ص: ۱۸۰۷)

- تعادل در رفتار و زندگی نتیجه خردمندی

نه شادان کند دل بنایافته نه گر بگذرد زو شود تافته (فردوسی، ۱۳۸۶، دفتر ششم، ص: ۱۸۰۶)

پاسخ به سؤال سوم تحقیق: وجوه اشتراک و افتراق زمینه‌های شکل‌گیری پایدیا در یونان باستان، با تاکید بر حماسه ایلید و اودیسه با آموزه‌های حکمی و تربیتی در ایران باستان، با تاکید بر شاهنامه کدامند؟

با بررسی ادبیات باستانی ایران و یونان، در می‌یابیم که در هر دو حوزه، جنبه‌های حماسی بر دیگر ژانرهای ادبی غلبه دارد. البته این حماسه‌پردازی برای بیان مقاصد گوناگون و جلوه‌های فردی و اجتماعی است که در بستر فرهنگی خاص هر دو ملت پرورده و ابراز می‌شود. چنان‌که در اسطوره‌های ایرانی، جنبه‌های آسمانی بر زمینی و بیان انسجام و شوکت ملی غلبه دارد و در اساطیر یونانی، ژرف‌ترین احساسات فردی، چون عشق و نفرت نمود بیشتری دارد که با گذار تاریخی و تبدلات فرهنگی هر دو کشور، دگرگونی‌هایی نیز در آن‌ها مشاهده می‌شود؛ اما در هر صورت پیوند وثیقی با فرهنگ، فلسفه و مواضع تربیتی یونان داشته‌اند و مفاهیم ایران باستان نیز بسیاری از مفاهیم اساسی فرهنگی و تربیتی و تفکر فلسفی این ملت را در برمی‌گیرد.

از دیگر موارد مشترک در فرهنگ ایران و یونان باستان استفاده از بستر تمثیل برای آموزش است که یکی از ابزارهای سودمند برای متخصصان عرصه تعلیم و تربیت است. تمثیل‌ها در متون ادبی دو کشور گستره قابل توجهی دارند و در قصه‌ها و داستان‌ها و کهن‌الگوهای قومی هر دو کشور برای متمرکز شدن مفاهیم تربیتی و نهادینه شدن موضوعات اخلاقی در راستای اهداف فوق به نحوی هنری انعکاس دارند. البته باید توجه داشت که این الگوهای هنری و ناخودآگاهی متناسب با بسترهای فرهنگی هر کشور در ادبیات آن ارائه شده‌اند.

تطبیق اجزای خرد و ریزنگر به متن‌های شاهنامه و ایلید و اودیسه هومر، به دلیل ماهیت متنی نشأت گرفته از شرایط تاریخی و بسترهای اجتماعی متفاوت این آثار، امکان پذیر نیست. زیرا در هریک از آن‌ها، صرف نظر از نوع ادبی حماسه و شرح قهرمانی‌های فرمانروایان و پهلوانان، آموزه‌هایی فراخور ضرورت‌های فرهنگی و نگاه خاص زیبایی‌شناختی در خصوص زمینه پیدایش اثر بیان شده است. این خصیصه در شاهنامه در گستره‌های وسیع‌تر و شفاف‌تر، و با گزاره‌هایی که زوایای حکمی داستان‌ها را با اندرزهای آشکار روشن می‌سازد، مطرح شده است. در صورتی که در ایلید و اودیسه فضیلت‌ها در تاروپود داستان تنیده شده‌اند.

با تأملی همه‌جانبه در یک گستره تاریخی وسیع، می‌توان گفت که در ادبیات یونان، جنبه‌های جزئی‌تر و کارکردی‌تر حاکم است. اسطوره‌ها فردی‌تر هستند. در ایران مباحث تعلیمی‌کلی‌ترند و اسطوره‌های جمعی نمود بیشتری دارند. بیان کارکردی تعالیم و مبانی تربیتی در ایران باستان، بیشتر به صورت گزاره‌های دینی و معرفتی و توجه به عالم بالا و خداوند متعال بوده است که بعضاً کمتر کاربردی و عینی به نظر می‌رسد. درحالی‌که در فرهنگ یونان، به‌خصوص از روزگار هزیود به بعد بیان وجوه کارکردی تربیت از بیان توصیفی و تمثیلی حکمت پیش می‌افتد. اما در هردو فرهنگ اسطوره‌ها و ادبیات سنتی و شفاهی زمینه‌ساز اخلاق کارکردی و مبانی تعلیم و تربیت و اصول اخلاق کارکردی در موضوع رفتارهای اجتماعی هستند.

در بعد جسمانی، در ادبیات هر دو ملت، انسان متعالی در تن سالم و روح پاک جلوه‌گر است و راستی و قدرت روحانی مرد در نیرو و آراستگی جسم و جان اوست. چنان که گفته شد، زیبایی و شجاعت، دو محور مهم پایدیا به حساب می‌آیند. یکی از اسطوره‌های معروف ایرانی، آرش کمان‌گیر است که داستان وی برای اولین بار در اوستا آمده است. آرش نماینده قهرمانی پاک جان و قدرتمند است که انجام پهلوانی معجزه‌آسای وی به مدد پاکی روان و نیروی جسم پرتوان و بی‌عیب اوست. جنگاوری و پهلوانی در حماسه‌های ایرانی و یونانی از برترین صفات و شایستگی‌های انسانی است. چنان‌که والاترین معیار شخصیت مرد، در ادیسه، توانایی در جنگاوری است و رستم و سهراب و دیگر پهلوانان ایرانی، از جنگاوران و زورآوران زمانه خویش هستند. به‌نظر می‌رسد بعد تربیتی این مقوله مربوط به ساحت توانمندی انسان در رشد و پرورش ابعاد گوناگون هستی وی است که با قدرت و تندرستی او پیوندی عمیق دارد و آموزه‌های رایج در هر دو ادبیات، پرهیز از تنبلی و بی‌کارگی است و باید به واسطه کوشش و تلاش رنج‌های تن را به شادی مبدل ساخت.

در بعد هنری، آن چنان که قبلاً آورده شد، ما شاهد مفاهیم گسترده‌تری در ادبیات ایران نسبت به فرهنگ یونانی هستیم. واژه هنر در فرهنگ ایرانی، همواره قرین آراستگی و ارزش روح و روان است که با مفهوم اصطلاح آرته در پایدیای یونانی قرابت و تقارن دارد. آرته شامل بیان حقایق مطلق و جاودانه ای است که فقط از راه شهود فهمیده می‌شوند.

در بعد اخلاقی، می‌توان از آموزه‌های انسانی و نمونه‌های جوانمردی و اخلاق والا در خلال داستان‌ها و اشعار حماسی هر دو ملت یاد کرد. چنان‌که شاهنامه فردوسی، به‌عنوان منبع و عصاره‌ای از تفکر و آموزه‌های حکمی و تربیتی ایران، بخش زیادی را به موضوعات، پندها،

توصیه‌ها و تجویزهای اخلاقی اختصاص می‌دهد. توصیه به جوانمردی و راستی و عدالت و فضیلت‌های برتر انسانی، حتی در بحبوحه جنگ‌ها و میدان‌های نبرد از مشترکات ادبیات هردو کشور است. پیوستگی دانایی و دانش با نیکویی‌های اخلاقی در رفتار پهلوانان حماسه‌های یونانی و ایرانی دیده می‌شود و توجه به خداوند و امر متعالی نشانه پهلوانی تام یک قهرمان است. از دیگر موضوعات محوری حماسه‌های هردو ملت در حوزه اخلاق، پرداختن و توصیه به عدالت و احسان و بخشش و مدارا کردن با مردم و پرهیز از غرور و خودخواهی است که عاقبت بد آن در سرنوشت قهرمانان در تراژدی‌های بزرگ ایران و یونان به شکل روایت‌هایی جذاب نمایانده می‌شود. باید توجه داشت که وجه افتراق این روایت‌ها در بیان دقایق و ظرایف فرهنگی و برخی کهن‌الگوهای قومی است. این بعد اخلاقی در وجه کارکردی و حرفه‌ای نیز شایان ذکر است. موضوع کارکرد در آثار یونانی به‌خصوص از روزگار هزیود نمود بیشتری می‌یابد و در آثار ایرانی در بافتی درونی‌تر به شکلی تمثیلی‌تر بیان می‌شود. چنان‌که از منظر هزیود کار و عدالت به هم می‌پیوندند و پایه تربیت در نزد وی و معیار قواعد اخلاقی سنتی و معرفت عملی کار مداوم روزانه بیان می‌شود. از منظر هردو فرهنگ، انجام کار انسان را به تعالی می‌رساند و نام نیک برای انسان برجای می‌گذارد. سولون افراد را به قبول مسئولیت و عمل آگاهانه فرامی‌خواند. فردوسی در شاهنامه نه تنها به وصف فاخرانه و تجلیل از خرد برای القای متصف بودن به آن می‌پردازد، بلکه برای ترغیب بیشتر برای به‌کار بستن آن، از عوارض کارکردی آن در بافتی تجویزی سخن می‌گوید.

در بعد عقلانی، گفته شد که در متون ایران باستان به عقل و خرد اهمیت زیادی داده می‌شود. چنان‌که نخستین آفریده خداوند خرد است که نگاهبان جان آدمی است و سه پاسبان وجود انسان یعنی چشم و گوش و زبان، همواره باید قرین عقل و خرد باشند. این خرد همواره رهنمای هستی و شادی‌آفرین است، سبب آزادگی پندار و کردار و موجب رستگاری در هردو جهان می‌شود و شادی و غم، افزونی و کمی در زندگی بر اساس رفتار خردمندانه رقم می‌خورد. در ادبیات یونان نیز به مقوله خردپروری و بیان عوارض آن می‌پردازد. اما نکته جالب آن‌که این خردورزی مناسب با بستر فرهنگی تربیتی دو ملت نمود می‌یابد، چنان‌که در شاهنامه بارزترین نشانه‌های خردمندی مختصر و پرمعناگویی است. انسان جاهل، زیاد و بی‌معنی سخن می‌گوید و همین عامل سبب می‌شود که در نظر مردم بی‌ارج و ارزش باشد. در پایدیای یونانی، جلوه‌های این خردورزی در فلسفه و مبانی حکمی آشکار می‌شود. همراهی عقل و صبر و مدارا کردن با مردم و کار ارزشمند و عدالت و

تعال در رفتار و زندگی به واسطهٔ خردمندی از موارد مشترک در هردو فرهنگ و مبانی تربیتی آنهاست.

### نتیجه‌گیری

برای توصیف مبانی تعلیم و تربیت در هر فرهنگ توجه به بنیان‌های فلسفی، امری اجتناب‌ناپذیر است. از منظر فلسفی، دو قطب‌انگاری که همواره با برتری و رجحان توصیفی و تجویزی یک قطب بر قطبی دیگر مطرح است، در فلسفهٔ اندیشگانی یونان باستان و ایران باستان نمود دارد که در بسیاری از نمونه‌های متنی و شعری در ادبیات هر دو کشور به آنها اشاره شد. از عقیدهٔ افلاطون به دو عالم مثل یا حقیقت و عالم مادی یا مجاز در فرهنگ یونان تا اعتقاد به اهورا و اهریمن و جدال میان نیروهای خیر و شر، ایران در مقابل توران، نور در مقابل ظلمت، پاکی در مقابل پلیدی در فرهنگ ایران باستان و نمونه‌های عینی و کارکردی آن مثل عدالت در مقابل ظلم و مصادیق اخلاقی آن، چون راستی در تقابل با دروغ و کژی و شواهد تربیتی چون ترغیب به دانش آموزی و خردورزی و کار و تربیت جان در مقابل سستی و نادانی و غفلت از تربیت وجود در آموزه‌های مشترک هر دو کشور، همهٔ این موارد که در طیفی گسترده‌تر در مباحث عام‌وخاص تعلیم و تربیت می‌تواند بررسی و تحلیل شود، از مباحث بنیادی پایدیاست که در این مقاله به آنها پرداخته شد.

از دیگر موضوعات مهم در فلسفهٔ تعلیم و تربیت، نهان در بطن پایدیا به مفهوم عام آن، استفاده از تمثیل‌های جاری در ادبیات و متون هنری ایران و یونان باستان است. از کارکردهای این تمثیل‌ها این است که با تجسم بخشیدن به مفاهیم پیچیده و ایجاد تناظرهای معنایی میان مفاهیم انتزاعی و عینی و ترسیم ارتباط میان این دو، تعالیم خویش را به شکلی غیرمستقیم، هنری و مؤثر به مخاطب خویش القا می‌کنند. تمثیل به دلیل جذابیت ذاتی خود به شکل‌های گوناگون با خواننده ارتباط برقرار می‌کند.

هم چنین از طریق تطبیق مقولات مرتبط با مفهوم پایدیا، چنین دریافت می‌شود که موضوعات اندرزنامه‌ها، متون فلسفی، اسناد حکمی و اشعار و حکایت‌ها و قصه‌های هر دو فرهنگ، مشتمل بر گزاره‌هایی معنادار و قوی در حوزهٔ تعلیمی هستند و شباهت‌های قابل توجهی دارند که این وجوه اشتراک در چهار مقولهٔ هنر، نژاد پاک و برتر، اندیشه و خردمندی، موضوعات اخلاقی و حقایق وجودی انسانی است که در فکر واحد اصالت روح و جسم و توجه به تربیت هر دو ساحت در متون هردو کشور متجلی می‌شود. به‌عنوان نمونه، فضیلت پایدیایی یونان و منش والا و فرّ ایزدی فرهنگ ایران، جنگاوری و شجاعت و

آراستگی بدن و اندیشه‌ورزی و جوانمردی و نیکوکاری در حوزه روان و نمود آن‌ها در عرصه زندگی و رشد و پرورش خصایل انسانی است.

با تأملی همه‌جانبه در یک گستره تاریخی وسیع، می‌توان گفت که در ادبیات یونان، جنبه‌های جزئی‌تر و کارکردی‌تر حاکم است. اسطوره‌ها فردی‌تر هستند. در ایران مباحث تعلیمی کلی‌تر و اسطوره‌های جمعی نمود بیشتری دارند. بیان کارکردی تعالیم و مبانی تربیتی در ایران باستان بیشتر به صورت گزاره‌های دینی و معرفتی و توجه به عالم بالا و خداوند و امر متعالی بوده است و بعضاً کم‌تر کاربردی و عینی به نظر می‌رسد. در حالی که در فرهنگ یونان، به خصوص از روزگار هزیود به بعد بیان وجوه کارکردی تربیت از بیان توصیفی و تمثیلی حکمت پیش می‌افتد. اما در هردو فرهنگ اسطوره‌ها و ادبیات سنتی و شفاهی، زمینه‌ساز اخلاق کارکردی و مبانی تعلیم و تربیت و اصول اخلاق کارکردی در موضوع رفتارهای اجتماعی هستند.

## منابع

- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *جستجو در تصوف ایران*. تهران: امیرکبیر.
- ژینیو، فیلیپ (۱۳۷۲). *ارد/ویراف‌نامه (ژاله آموزگار، مترجم و محقق)*. تهران: معین.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۲). *تاریخ فرهنگ ایران* (چاپ: ۱۴). تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
- ضیمران، محمد (۱۳۹۰). *افلاطون، پایدیا، و مدرنیته*. تهران: انتشارات جهان مهر.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه* (ژول مول، مصحح؛ به‌کوشش پرویز اتابکی). تهران: علمی فرهنگی.
- کومیز، جرال. ار؛ دنیلز، لو. روی. بی. (۱۳۸۷). *پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی* (خسرو باقری، مترجم). در ادموند. سی. شورت، *روش‌شناسی مطالعات برنامه‌درسی*، صص: ۴۳-۶۵ (محمود مهرمحمدی و همکاران، مترجمان). تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- الماسی، علی محمد (۱۳۸۱). *تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران*. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۹۵). *واکاوی مفهوم پایدیا و دست‌آوردهای آن برای آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن*. *راهبرد فرهنگ* ۳۵، صص ۱۷۵-۲۰۱.
- نخستین، مهدی (۱۳۷۹). *تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت* (سیداکبر میرحسینی، مترجم). تهران: نشر آتیه.
- نیساری، سلیم (۱۳۵۰). *بررسی پنجاهای فردوسی از دید فرهنگ ایران*. *مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی* ۱۰۲ و ۱۰۳، صص ۲-۷.
- هومر (۱۳۷۸ الف). *اودیسه* (سعید نفیسی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هومر (۱۳۷۸ ب). *ایلیاد* (سعید نفیسی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- یگر، ورنر (۱۳۷۶). *پایدیا* (محمدحسن لطفی، مترجم؛ جلد: ۲). تهران: انتشارات خوارزمی.
- Given, L. M. (2008). *The SAGE encyclopedia of qualitative research methods*. London: Sage.